



احمد صادقی اردستانی\*

## چکیده

نقش امام باقر (ع) در تبیین و تفسیر آیات قرآن به ویژه آیات الاحکام، بسیار روشن و برجسته است. آن بزرگوار برای هر چه بیشتر جذب شدن مسلمانان به قرآن کریم و دقت در نکته‌ها و مضامین آیات، اصحاب و شاگردان خویش را به تدبّر در قرآن سفارش فرموده و شیوه برداشت و بهره‌گیری‌های موشکافانه را به آنان می‌آموخته است تا جایی که فرموده است: هر حکمی را برای شما بیان می‌کنم دلیل آن را در قرآن از من بخواهید. در این مقاله به چگونگی تفسیر آیات الاحکام در قرآن به وسیله آن حضرت به صورت کوتاه اشاره شده است.

کلید واژه: تفسیر، آیات الاحکام، استدلال به آیات.

قبل از آنکه مواردی از «استشهاد و استدلال» حضرت امام محمد باقر (ع) را به آیات قرآن (برای اثبات احکام فرعیّه) مورد بررسی قرار دهیم، بیان چند نکته، ضروری به نظر می‌رسد:

۱. امام باقر (ع) فرموده: «من دان الله بغير سماع من صادق، ألزمه الله التيه يوم القيامة»<sup>۱</sup>؛ هرکس دین خدا را از گوینده غیر صادقی فرا گیرد، خداوند در روز قیامت او را به پریشانی و سرگردانی مبتلا خواهد کرد.

۲. امام باقر (ع) در تفسیر آیه «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» [الانبیاء، ۷/۲۱]؛

النحل، ۱۶/۴۳] فرموده، که رسول خدا (ص) فرموده: «ذکر» من هستم و امامان (ع) نیز «اهل ذکر» هستند و آن جا هم که قرآن فرموده: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ» [الزخرف، ۴۳/۴۴] آن قوم؛ ما هستیم و ما مورد سؤال واقع خواهیم شد»<sup>۲</sup>. بنابراین، احکام و معارف دین از ما باید پرسیده شود و در این حوزه، ما پاسخ گو هستیم.

۳. امام صادق (ع) فرموده: حدیث من، حدیث پدرم و حدیث پدرم، حدیث جدّم و حدیث جدّم، حدیث حسین (ع) و حدیث او حدیث حضرت حسن (ع) و حدیث وی حدیث امیرالمؤمنین (ع) و حدیث امیرالمؤمنین (ع) حدیث رسول الله (ص) و حدیث رسول الله (ص) سخن خداوند متعال است.<sup>۳</sup>

۴. امام باقر (ع) فرموده: «إِذَا حَدَّثْتُمْ بَشِيءًا، فَاسْئَلُونِي عَنِ كِتَابِ اللَّهِ»<sup>۴</sup>؛ هرگاه من چیزی را برای شما بیان کنم، دلیل آن را از کتاب خدا از من سؤال کنید.

۵. آن حضرت فرموده: «در آموختن علم شتاب کنید، به خدایی که جانم در اختیار اوست، فرا گرفتن یک حدیث در زمینه حلال و حرامی، که آن را از شخص صادقی فرا می گیرید، بهتر است از دنیایی که انباشته از طلا و نقره باشد، چون خداوند فرموده: آنچه را پیامبر به شما - آموزش - داد بگیرید، و از آنچه شما را از آن بازداشت دست بدارید».<sup>۵</sup>

۶. جابر جعفی می گوید: ما گروهی بودیم، که پس از انجام اعمال و مناسک حج، برای خدا حافظی به حضور ابوجعفر محمد بن علی (ع) رسیدیم و به عرض رساندیم، که آن حضرت نصایحی برای ما بیان کند، فرمود: «افراد قدرتمند شما ضعیفان را یاری کنند، توانمندان نسبت به نیازمندان عطوفت به خرج دهند، هر کسی همان گونه که نصیحت گر و خیرخواه خویش است، نسبت به برادر مؤمن خود هم این گونه باشد، اسرار ما را پنهان دارید، - با لغزشها - مخالفان را بر گردن ما سوار نکنید، «و انظروا أمرنا و ما جاءكم عنّا فإن وجدتموه للقرآن موافقا فخذوا به و إن لم تجدوه موافقا فردوه...»».<sup>۶</sup>

در باره «امر ما» و آنچه از ما به شما می رسد، دقت کنید، آن را موافق قرآن یافتید - به کار - گیرید، و اگر آنچه را از - گفتار و رفتار - ما به شما می رسد، موافق قرآن نیافتید، آن را رد کنید و نپذیرید.

اکنون، با توجه به ظرفیت این مقال، از میان ابواب متعدد احکام فقهی، چند مورد را، که در آن حضرت برای بیان احکام فرعی فقهی به آیات قرآن کریم، استدلال و استشهاد

نموده، مورد مطالعه قرار می دهیم:

## الف: احکام طهارت

درباره طهارت، که اولین موضوع ابواب فقهی است، شامل وضو، غسل و تیمم می شود و از شرایط و مبانی بخش زیادی از عبادات است، در بیانات حضرت امام باقر(ع) می خوانیم:

درباره حدّ شستن: ۱. حدّ صورت در وضو، زرارة در حدیث صحیح می گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: اندازه شستن صورت، که خداوند متعال بدان دستور داده: «فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ...» [المائدة، ۶/۵] را برای من بیان کن، آن حضرت فرمود: «مقدار شستن صورت در وضو، که خداوند متعال دستور داده و نباید کسی بیش از آن بشوید و نیز نباید کمتر شسته شود، و شستن بیشتر پاداشی ندارد و کمتر نیز موجب گناه- و بطلان- می شود، عبارت است از این که: درازای آن را از رستنگاه «مو» تا چانه، و پهنای آن را به اندازه ای، که میان انگشت میانی و شست قرار می گیرد، از بالا به پایین شست و شو داد. ۷

۲. درباره «مسح سر و روی پا» که بخش هایی از وضو هستند و قرآن فرموده: «وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...» [المائدة، ۶/۵]؛ یعنی: و سر و پاهای خود را تا دو قوزک مسح کنید. امام باقر(ع) به روایت صحیح از زرارة بن أعین، فرموده: «مسح سر، باید بر قسمتی از سر واقع شود، چون «باء» به معنای تبعیض است و برخی از سر- که جلو آن است- را می رساند. ۸

هم چنین، زرارة بن اعین و برادر او «تکبیر» درباره اندازه مسح سر و روی پاها، از امام باقر(ع) سؤال کردند، آن حضرت فرمود: اگر قسمتی از - جلو - سر و مقداری از - روی - پاها از سرانگشتان تا فاصله برآمدگی روی پاها را مسح کنید کفایت می کند. ۹

۳. درباره غسل جنابت، که قرآن کریم فرموده: «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا...» [المائدة، ۵/۶]؛ امام باقر(ع) فرموده است: «عمل آمیزش، موجب غسل جنابت می گردد»<sup>۱۰</sup>، بدین جهت امام(ع) در پاسخ محمد بن مسلم، که از آن حضرت سؤال کرد: چه وقتی غسل بر مرد و زن واجب می شود؟ فرمود: «إِذَا ادْخَلَهُ فَقَدْ وَجِبَ الْغَسْلُ وَ...»<sup>۱۱</sup>؛ هر گاه مرد با زن آمیزش - کامل - عملی انجام داد، غسل - جنابت - بر آنان واجب می گردد.

با توجه به آیه قرآن، که با جمله «أَوْ لَا مَسْتَمُ النَّسَاءُ» با کنایه و به طور سر بسته، آمیزش با

زنان را مطرح کرده و موجب وجوب «غسل جنابت» مطرح کرده، واژه «مَسَّ» یعنی تماس با زنان، ذهن افراد را به هر گونه تماسی معطوف می داشت، این جهت برای آنان علت سؤال واقع می شد و بدین جهت آن را مورد سؤال قرار می دادند.

عبدالعقار بن قاسم انصاری، که با کنیه «ابومریم» معروف شده می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: درباره مردی که وضو داشته، سپس دست کنیز خود را گرفته و به سوی مسجد آمده، چه فرمایید؟ چون در میان ما افرادی یافت می شدند، که می پندارند این کار همان تماسی است، که قرآن فرموده، موجب غسل جنابت می شود، امام (ع) فرمود: «چنین تماسی موجب باطل شدن وضوی او نمی گردد، و این رفتار مصداق فرموده قرآن: «أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ» [المائدة، ۶/۵]؛ که سبب غسل جنابت می شود، نیست». ۱۲

۴. درباره تیمم، که بخشی از طهارت است و گاهی به جای وضو و غسل انجام می شود، و قرآن درباره آن فرموده: «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا...» [المائدة، ۶/۵]؛ اگر آبی نیافتید، آهنگ زمینی پاکیزه کنید و صورت و دست های خود را با آن مسح نمایید. امام باقر (ع) با استناد به این آیه فرموده: «وقتی تکلیف وضو، از کسی که آب نیافت برداشته شد، به جای شست و شو، مسح ثابت می شود، زیرا قرآن فرموده: «بِوَجْهِكُمْ» سپس دنبال آن «وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ» را آورده، بعد امام (ع) فرمود: «این که قرآن کریم واژه «منه» را مطرح کرده، تیمم بر صورت واقع می شود. چون مقداری خاک - یا غبار - به قسمتی از کف دست می چسبد، و بر صورت - پیشانی - کشیده می شود»، و در دنباله آن فرموده: «این عمل بدین خاطر است، که خداوند نخواست شما گرفتار مشکل و تنگنا شوید». ۱۳

## ب: نماز و روزه

در حالی که امام باقر (ع) در کنار خانه خدا حضور داشت و گروهی از اصحاب نیز نزد او بودند، طاووس یمانی، شرف حضور یافت، و اجازه خواست، مسائلی را سؤال کند، پس از موافقت امام (ع) طاووس موضوعات مختلف تفسیری و کلامی را پرسید و آن حضرت هر یک را جواب داد، تا این که وی سؤال کرد: ای مولای من! این چه صلاتی است، که نیاز به وضو ندارد، و این چه روزه ای است، که مانع خوردن و آشامیدن نمی گردد؟ آن حضرت فرمود: «أَمَّا الصَّلَاةُ بغير وضوء، فهي الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ، وَ أَمَّا الصَّوْمُ فَقَدْ

حکاه الله سبحانه عن مریم، بقوله: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا» [مریم، ۱۹/ ۲۶]؛ اما، صلاتی که بدون وضو صورت می گیرد، صلوات بر پیامبر و آل آن حضرت است، اما روزه ای که مانع خوردن و آشامیدن نمی گردد، همان چیزی است، که خدای متعال آن را از مریم (ع) حکایت می کند و از زبان آن بانوی پاک و بزرگ فرموده: «من برای خدای رحمان روزه گرفته ام و با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت». ۱۴

امام باقر (ع) درباره نماز، احکام و مسائل آن، در موارد متعددی به آیات قرآن استشهاد و استدلال کرده، که بررسی آنها مجال لازمی را می طلبد، اما درباره آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يَطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامَ مِسْكِينٍ...» [البقرة، ۲/ ۱۸۴]؛ یعنی: بر کسانی که روزه برای آنان طاقت فرساست، فدیة ای واجب است، آن حضرت، درباره مصادیق این گونه افراد فرموده است: «الشیخ الکبیر، و الذی به العطاش، لاجرح علیها أن یفطرا فی شهر رمضان، و یتصدق کل واحد منها فی کل یوم بمد من طعام و لاقضاء علیهما، فإن لم یقدر، فلا شیء علیهما؛ کسی که به علت پیری توانایی روزه گرفتن را ندارد و نیز کسانی که بیماری ای دارند، که زیاد تشنه می شوند و توانایی تحمل تشنگی را ندارند، ایرادی ندارد، که در ماه رمضان روزه خود را افطار کنند و هر کدام برای هر روز یک «مد طعام - ده سیر» به - فقیر - بدهند و روزه آنان قضا ندارد، و اگر توانایی پرداخت یک «مد طعام» را هم ندارند، چیزی بر آنان نیست». ۱۵

### ج: درباره حج

حج، یعنی: انجام زیارت خانه خدا، با احکام و مناسک خاص، یکی از عبادات بزرگ اجتماعی - سیاسی اسلامی است، که درباره احکام، شرایط و آداب آن بیش از چهل آیه قرآن و صدها حدیث وارد شده است. ۱۶

قرآن کریم، وقتی عظمت و گستردگی جهان خلقت و نیز آسیب های مخوفی را، که در مسیر حرکت انسان کمین کرده اند، یاد آور می شود و از انحراف و سقوط انسان هشدار می دهد، او را به پناهگاه امن و جاویدانی رهنمون می گرداند و می فرماید: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» (الذاریات، ۵۱/ ۵۰)؛ پس به سوی خدا بگریزید، که من - پیامبر - از سوی او را برای شما، بیم دهنده آشکاری هستم.

اما، معنای این تعبیر لطیف و زیبای قرآن کریم، که در آن شتاب و سرعت برای

پناه گیری در یک مأمن آرام بخش و مطمئن می باشد چیست؟ وقتی این معنا از امام باقر(ع) سؤال می شود، آن حضرت، درباره مصداق اعلاّی «فرار به سوی خدا» می فرماید: «حجّوا إلی الله؛ حج و زیارت خانه خدا را انجام دهید». ۱۷

### د: جهاد فی سبیل الله

درباره جهاد در راه خدا، وجوب، احکام، شرایط و آداب آن، که حدّ اقل در ۲۱ آیه قرآن کریم آورده، و در روزگاران «سلاح معمول آن، شمشیر بود» امام باقر(ع) فرموده: «همه خیرها و نیکی ها، در شمشیر، زیر شمشیر و در سایه شمشیر نهفته است». ۱۸

امام صادق(ع) فرموده: «یکی از اصحاب دوستدار ما، از وضع جنگ های امیرالمؤمنین(ع) از پدرم امام باقر(ع) سؤال کرد، آن حضرت توضیح داد: خداوند پیامبر(ص) را با پنج نوع شمشیر فرستاد - که تا سال پانزدهم بعثت و سال دوم هجرت، آنها را به کار نبرد، ولی از آن پس - سه شمشیر همواره آخته بود و به نیام نمی رفت، تا جنگ و ساز و کار آن فرو نشیند... اما، آن سه شمشیر آخته: ۱. شمشیر بر سر مشرکان عرب است، که خداوند فرموده: «مشرکان را هر کجا که یافتید، بکشید و به اسارت گیرید، محاصره کنید و همه جا در کمین آنان باشید، پس هرگاه توبه کردند و ایمان آوردند و نماز به پا داشتند و زکات پرداخت نمودند، آنان برادر دینی شما خواهند بود» ۱۹. ۲. شمشیر آخته دوم، بر ضد اهل ذمه است، که خدای متعال فرموده: «با اهل کتابی که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند و حرام خدا و رسول را حرام نمی دارند و دین حق را نمی پذیرند کارزار کنید، تا با دست خویش ذلیلانه «جزیه» بدهند» ۲۰. پس هر کدام در سرزمین اسلامی به سر می برند، یا جزیه بدهند تا تن به مرگ سپارند، اموال آنان غنیمت جنگی است و فرزندان آنها به اسارت درمی آیند، اما وقتی «جزیه» را پذیرفتند، اسیر کردن آنان مجاز نیست، اموال آنان محترم می شود، همسری با زنان بی همسر آنان مجاز می شود، اما اگر آنان در غیر سرزمین اسلامی باشند، که با ما در حال جنگ باشند، اسیر کردن و تصرف اموال آنان بر ما حلال و همسری با آنان بر ما حرام است و جز داخل شدن در سرزمین اسلامی و پرداخت «جزیه» یا تن به مرگ دادن، از آنان پذیرفته نیست. ۳. شمشیر سوم، بر مشرکان غیر عرب، چون ترکان، دیلمیان و خزریان - مردمانی که چشم های تنگ دارند - است، و خداوند متعال فرموده: «گردن آنان را بزنید، تا

این که زمین گیر شوند، آنگاه آنان را به بند سخت کشید، و پس از آن، یا منت نهید و آزاد کنید، یا فدیة بگیریید تا سلاح خود را زمین گذارند و کارزار پایان یابد»<sup>۲۱</sup>.

**جنگ امام علی (ع):** اما شمشیر [چهارم] که باید آن را نگه داشت، شمشیر علیه شورشگران و اهل تأویل ستمگر این امت است، که خداوند فرموده: «اگر دو گروه از مؤمنان با هم به پیکار برخیزند، میان آنان سازش برقرار کنید و اگر یکی از آنها بر دیگری تعدی کرد، پس با آن که تعدی پیشه کرده کارزار کنید، تا این که به فرمان الهی باز آید»<sup>۲۲</sup>. وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا (ص) فرمود: «إِنَّ مِنْكُمْ مَنْ يقاتل بعدى على التأويل، كما قاتلت» به راستی، پس از من کسی باشد، که بر سر تأویل - و برای جلوگیری از برداشت ناصحیح و کج فهمی از - قرآن بجنگد، همان طور که من بر سر «تنزیل» و اعلام حقانیت قرآن جنگیدم.

آن گاه از پیامبر (ص) سؤال شد: او کیست؟ فرمود: او همان کسی است، که هم اکنون مشغول وصله زدن بر کفش خود می باشد، و در کنار این مجلس نشسته، یعنی او امیر مؤمنان (ع) است. ۲۳

عمار بن یاسر هم - در جنگ صفین، و در برابر شورشگران و تردیدکنندگان - فریاد برداشت: «قاتلت بهذه الراية مع رسول الله (ص) ثلاثاً وهذه الرابعة»؛ من، زیر این پرچم همراه با رسول خدا (ص) سه بار در (بدر، احد و حنین) جهاد کردم و این - نبرد صفین - چهارمین جهاد من است، به خدا سوگند، اگر آن قدر بر سر ما شمشیر فرود آورید، که ناچار شویم به نخلستان های «هجر» - شهری در «یمن» یا سرزمین «بحرین» که نخلستان فراوان دارد - رانده شویم، می دانیم، که بر حق هستیم و جبهه در مقابل ما، راه باطل را پیش گرفته اند. سیره امیرالمؤمنین (ع) نسبت به یاغیان و شورشگران، همان گونه بود، که رسول خدا (ص) هنگام «فتح مکه» با اهل آن رفتار کرد، فرزندان آنان را به اسیری نگرفت و فرمود: هر کس به خانه خویش رفته در به روی خود ببندد و سلاح خود را زمین گذارد، یا به خانه «ابوسفیان» که - سردمدار کفر و دشمنان بود - پناه برد، در امان است.

امیرمؤمنان (ع) هم در «بصره» به هنگام فرو نشاندن شورش - ناکثین و پیمان شکنان - همان گونه رفتار را نمود و فرمود، اعلام کنند: فرزندان شورشیان را به اسارت نگیرند،

مجر و حان را نکشند، افراد فراری را تعقیب ننمایند و هر کس سلاح خود را زمین گذارد و در خانه خویش قرار گیرد در امان است.

اما شمشیر - پنجم - که در نیام و غلاف است، شمشیری است، که بدان قصاص صورت می گیرد و خداوند متعال هم درباره آن فرموده: «النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» (المائدة، ۴۵/۵)؛ جان در برابر جان و چشم در برابر چشم... قصاص دارد. که این شمشیر - یا سلاح - را اولیای مقتول بر می کشند و فرمان آن با ماست.

اینهاست، شمشیرهایی، که - درباره آنها سؤال شد - و خداوند متعال، پس از بعثت پیامبر (ص) فرمان آنها را داد، و هر کس حکم همه آنها، یا احکام برخی از آنها را منکر شود، دستورهای خدا و رسول (ص) را نادیده انگاشته و بدانچه خدا و رسول (ص) فرمان داده اند، کافر گردیده است. ۲۴

## ه: مکاسب و معاملات

در باب کسب و تجارت و معاملات نیز، که امام باقر (ع) مواردی از قرآن کریم را تشریح نموده، با توجه به فرصت این مقال، نمونه هایی را اشاره می کنیم.

۱. قرآن کریم، درباره دو خصلت ناروای اجتماعی و اقتصادی، که میراث «قوم یهود» بود، و مسلمانان نیز آنها را مرتکب می شدند، پیامبر گرامی اسلام، آنان را از این دو خصلت باز می داشت، می فرماید: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِلْسُّحْتِ» (المائدة، ۴۲/۵)؛ آنان، گوش شنوایی برای شنیدن سخنان تو و تکذیب آن دارند، و آنان زیاد اموال حرام و ناحق می خورند. عمّار بن مروان می گوید: معنای «غلول» را از امام باقر (ع) سؤال کردم، آن حضرت فرمود: هر چیزی از جانب امام - و حاکم - ممنوع و خیانت - در اموال عمومی - اعلام شده باشد، آن «سُحْت» و حرام است، و نیز خوردن مال یتیم و نظیر آن «سُحْت» محسوب می شود. و «سُحْت» انواع متعددی دارد، که از جمله آنها: در آمد از راه فاحشه گری و روابط نامشروع زن و مرد، در آمد از راه مشروب مست کننده فروشی، رباخواری در صورت اثبات و رشوه گیری در قضاوت، که این ها، در ردیف کفر به خدای متعال و رسول (ص) وی، قرار گرفته است. ۲۵

۲. درباره «ربا خواری»، حرمت و آثار زیانبار اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی آن، در



قرآن کریم، حداقل ۹ آیه آمده است. ۲۶

امام صادق (ع) فرموده: «مردی نزد پدرم امام باقر (ع) آمد و گفت: مالی به ارث به من رسیده، که می دانم صاحب آن گاهی «ربا» می خورد و می دانم در آن ارث «مال ربوی» وجود دارد، بدین جهت تصرف و خوردن آن را بر خود حلال و پاک نمی دانم، این مسأله از فقهای اهل عراق و حجاز هم پرسیده ام و آنان گفته اند: به خاطر این که در آن ارثیه «مال ربوی» وجود دارد، خوردن آن بر تو حلال نیست، امام باقر (ع) فرمود: «إِنْ كُنْتَ تَعْرِفُ أَنَّ فِيهِ مَالاً مَعْرُوفاً رِبَاً وَ تَعْرِفُ أَهْلَهُ، فَخُذْ رَأْسَ مَالِكَ وَ رَدِّ مَا سِوَى ذَلِكَ؛ اگر مقدار «مال ربوی» در آن را می دانی و صاحب آن را هم می شناسی، آن مقدار سرمایه ای را، که متعلق به خود تو است تصرف کن و علاوه بر آن را به صاحب آن برگردان، و اگر نمی دانی در آن ارث «مال ربوی» هست، آن را تصرف نموده و بخور، بر تو گوارا باد، زیرا آن مال متعلق به تو است، اما از رفتاری که صاحب آن مال داشته - ربا خواری - خود پرهیز کن، زیرا رسول خدا (ص) از رباخواری های گذشته صرف نظر می کرد، اما آنچه باقی مانده بود را حرام می دانست، چون کسی که چیزی را نمی داند تکلیفی ندارد، تا این که نسبت به آن علم پیدا کند و آن گاه، که کسی حرام بودن چیزی را دانست آن چیز بر او حرام می شود و اگر مرتکب شد مجازات خواهد داشت، چنانکه «ربا خوار» عقوبت و مجازات خواهد شد. ۲۷

۳. درباره «می گساری» که از نظر قرآن، حرام و عمل شیطانی معرفی گردیده ۲۸ و از گناهان بزرگ شمرده شده است، در روایت می خوانیم: امام باقر (ع) وارد مسجد الحرام شد، گروهی از افراد «قبیله قریش» آن حضرت را مورد توجه قرار دادند و گفتند: این امام اهل عراق است، آن گاه برخی به برخی دیگر گفتند: چه خوب است، کسی را نزد او بفرستیم تا چیزی سؤال کند، آن گاه یکی از جوانان آن قوم به حضور حضرت رسید و پرسید: بزرگ ترین گناهان چیست؟ فرمود: «شراب خواری». جوان نزد یاران خویش برگشت و جواب حضرت را برای آنان بازگو نمود، ولی یاران با اصرار از آن جوان خواستند، باز هم نزد امام برگردد و سؤال خود را تکرار کند، امام نیز فرمود: «مگر نگفتم: بزرگ ترین گناهان «شرب خمر» است؟ زیرا اگر کسی «می گساری» کند، این عمل حرام او را، به گناهان دیگری مانند: زنا، سرقت و قتل نفس که خدا آن را حرام کرده ۲۹ و نیز شرک به خدا می گرداند. آری، شراب خواری از گناهان بزرگ است، این گناه بر هر گناه دیگری برتری دارد، همان طور که درخت

آن هم - درخت انگور - از درخت های دیگر «نوعاً» بلندی و برتری دارد». ۳۰

## و: نکاح و ازدواج

درباره ازدواج دائم و موقت، و عمل قبیح منافی عفت «زنا» امام باقر(ع) با استناد و استشهاد به قرآن کریم، مطالبی بیان داشته، که به طور خلاصه مطرح می کنیم:

۱. درباره ازدواج با زنان اهل کتاب، زراة بن أعین می گوید: منظور آیه: حلیت ازدواج با زنان پاکدامن اهل کتاب<sup>۳۱</sup> را از امام باقر(ع) سؤال کردم، آن حضرت فرمود: «این آیه با آیه: «وَلَا تُمَسِّكُوا بِعَصَمِ الْكُوفِرِ» (الممتحنة، ۱۰/۶۰)؛ یعنی: هرگز زنان کافر را به همسری در خانه خود نگه ندارید، منسوخ شده است»<sup>۳۲</sup>. ولی، محمد بن مسلم، می گوید: «سألته عن نکاح اليهودیة و النصرانیة، قال: «لابأس...»<sup>۳۳</sup>؛ از امام باقر(ع) در مورد ازدواج با زن یهودی و مسیحی سؤال کردم، آن حضرت فرمود: «ایرادی ندارد؛ مگر نمی دانی در زمان رسول خدا(ص) طلحة بن عبیدالله، همسر یهودی در اختیار داشت؟».

درباره تعارض این روایت با روایت بالا گفته شده: ممکن است گفته شود: روایتی که بر عدم جواز نگه داری زنان اهل کتاب دلالت می کند، صراحت در نسخ ندارد و چگونه ممکن است از آن نسخ نکاح استفاده شود؟ و اثبات نسخ با این روایت مشکل است، به خصوص که روایت صحیحة نیست، و در مقابل، روایات فراوانی دال بر جواز وارد شده، که روایت محمد بن مسلم از آن جمله است، و روایت صحیحی، که از معاویة بن وهب وارد شده این معنا را می رساند.

بر اساس این روایت، معاویة بن وهب، از امام صادق(ع) نقل کرده، که مردی از آن حضرت درباره ازدواج مرد مؤمن با زن یهودی و مسیحی سؤال کرد، فرمود: «اگر زن مسلمان یافت می شود، چرا سراغ زن یهودی و مسیحی می رود؟». آن مرد گفت: به این زن علاقه دارد. امام فرمود: «اگر با آن زن ازدواج کرد، او را از شرب خمر و خوردن گوشت خوک باز دارد، اما این را بدان، که آن مرد به خاطر چنین ازدواجی، در دین داری خویش، سستی و نقصانی دارد». ۳۴

البته، باید توجه داشت، که در تأیید این روایت، روایات دیگری نیز وجود دارد، بدین لحاظ از جهت فتوایی، در میان فقها، احکام ازدواج دائم و موقت، با زنان کتابی متفاوت است.

۲. دربارهٔ «ازدواج موقت» که با واژه «متعّه» تعبیر می‌شود، قرآن کریم فرموده: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً...» (النساء، ۲۴/۴)؛ و زنانی را، که «متعّه» می‌کنید، مهریهٔ آنها را واجب است پردازید.

واژهٔ «متعّه» از «استمتعتم» قرآن گرفته شده، طبق مصالحتی مباح و گاهی لازم است و آن طور، که برخی از مفسران و علمای اهل سنت ادعا کرده‌اند، این یک حکم موقت و منحصر به زمان جنگ نبوده، محتوای آیه نسخ نشده و این نوع ازدواج، یک حکم مباح و ساری و جاری است.

لازم به یادآوری است، که در این مقال، در مقام پاسخ‌گویی به ایرادها و ادعاهای اهل سنت نیستیم، زیرا این کار فرصت و مجال لازم و جداگانه‌ای می‌طلبد، بلکه به این مقدار قناعت می‌کنیم، که با توجه به این که آن روزها هم، این موضوع مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گرفت، امامان ما، از جمله حضرت امام باقر(ع) به آن پاسخ می‌دادند. ۳۵

ابوبصیر، که از یاران بزرگ و مورد وثوق امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است، می‌گوید: سألت أبا جعفر(ع) عن المتعة، فقال: «نزلت في القرآن: ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...﴾» (النساء، ۲۴/۴)؛ از امام باقر(ع) دربارهٔ «متعّه» سؤال کردم، آن حضرت فرمود: حکم آن در قرآن آمده، آن‌جا که می‌فرماید: و زنانی را، که «متعّه» می‌کنید، مهریهٔ آن‌ها را واجب است پردازید، و نسبت به آن چه با یک دیگر توافق کرده‌اید، پس از تعیین مهریه گناهی بر شما نیست.

هم‌چنین، عبدالله بن عمیر لیبی، در مورد «متعّه» از آن حضرت سؤال کرد، فرمود: «أحلّها الله في كتابه و علي لسان نبيّه (ص) فهي حلال إلى يوم القيامة...» ۳۷؛ فرمود: «متعّه را خداوند در کتاب خود و بر زبان پیامبر خویش حلال کرده، و این حکم تا روز قیامت برقرار است».

۳. دربارهٔ عمل بسیار زشت، خائنانه، ویرانگر و تباهی‌ساز فرد و جامعه «زنا» و رفتار منافق عفت و استواری روابط مشروع و انسانی، همین بس، که قرآن کریم فرموده: «وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا» (الاسراء، ۳۲/۱۷)؛ به زناکاری نزدیک نشوید، زیرا این کار عمل بسیار زشت و راه بسیار بدی است.

أبو جارود، روایت کرده، که امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرمود: «زنا، گناهی بزرگ

و موجب خشم الهی است، خداوند این عمل را بسیار منفور و مبغوض می‌دارد، راه و روش خطرناک و بدعاقبتی است و خداوند شدیدترین عذاب را برای «زنا کار» معمول می‌دارد، این عمل از گناهان کبیره است». ۳۸

### ز: سربریدن و ذبح حیوان

از جمله شرایط ذبح و سربریدن حیوان، برای تزکیه و حلال شدن گوشت آن جهت خوردن، مسلمان بودن «ذابح» و بردن نام خدا به هنگام «ذبح» است.

در این باره «قتبیه» می‌گوید: مردی از امام صادق (ع) در حالی که من نیز حضور داشتم سؤال کرد: گوسفندان را به هنگام چرانیدن، یهودی و مسیحی همراهی می‌کنند، برای برخی از آنها عارضه‌ای پیش می‌آید و «ذبح» می‌شود، آیا می‌توانیم، گوشت چنین حیوانی را بخوریم؟ امام فرمود: «نه پول چنین گوشتی را داخل دارایی خود کن و نه گوشت آن را بخور، چون نام خدای برای ذبح برده نشده و «ذابح» نیز مسلمان نبوده است». مرد گفت: مگر خداوند نفرموده: «امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شد و- هم چنین - غذای اهل کتاب برای شما حلال است و غذای شما هم برای آنها حلال می‌باشد. [المائدة، ۵/ ۵]؛ امام صادق (ع) فرمود: «پدرم امام باقر (ع) می‌فرمود: منظور از «غذای اهل کتاب» حبوب و نظایر آنها، مثل دانه‌ها و میوه‌هاست». ۳۹

ورد بن زید، می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: سخنی برای من بیان کن و مهلت بده تا آن را بنویسم، آن حضرت فرمود: «حافظه شما چه شده‌ای اهل کوفه؟» گفتم: می‌خواهم مسأله مکتوب باشد تا کسی نتواند خدشه بر من وارد کند، نظر شما درباره ذبح - معجوسی چیست؟ فرمود: «اگر «بسم الله» می‌گوید و بعد ذبح می‌کند؟ گوشت را بخور». گفتم: مسلمان ذبح می‌کند و نام خدا را نمی‌برد. فرمود: «چنین گوشتی را نخور، چون خداوند فرموده: آن چه را نام خدا بر آن برده شده بخورید [الانعام، ۱۱۸]. ولی از آن چه نام خدا بر آن برده نشده است، نخورید». ۴۰

ابن بود، نمونه‌هایی از استشهاد و استدلال امام باقر (ع) از آیات قرآن کریم، برای اثبات احکام فرعی فقهی، در باب: طهارت، نماز و روزه، حج، جهاد در راه خدا، مکاسب و معاملات، نکاح و ازدواج و برخی از احکام سربریدن و ذبح حیوان.

۱. وسائل الشیعة، ۱۸/۵۱/ح ۳۷.
۲. وسائل الشیعة، ۱۸/۴۲/ح ۴.
۳. الکافی، ۱/۵۳؛ وسائل الشیعة، ۱۸/۵۸/ح ۲۶.
۴. بحار الانوار، ۴۶/۳۰۳.
۵. سورة حشر/۷. المحاسن للبرقی/۲۲۷؛ وسائل الشیعة، ۱۸/۷۰؛ بحار الانوار، ۲/۱۴۶.
۶. بحار الانوار، ۲/۲۳۶.
۷. تهذیب الاحکام، ۱/۵۷؛ وسائل الشیعة، ۱/۲۸۳/ح ۱.
۸. تهذیب الاحکام، ۱/۶۵.
۹. همان/۹۳.
۱۰. تهذیب الاحکام، ۱/۱۲۴.
۱۱. وسائل الشیعة، ۱/۴۶۸.
۱۲. تهذیب الاحکام، ۱/۲۲.
۱۳. تهذیب الاحکام، ۱/۶۵.
۱۴. سيرة الأئمة الاثني عشر، ۲/۲۱۷.
۱۵. الکافی، ۴/۱۱۶، مسالک الافهام، ۱/۳۲۱.
۱۶. رجوع کنید، به تألیف دیگر این جانب: حجج از میقات تا میعاد.
۱۷. البرهان فی تفسیر القرآن، ۴/۲۳۷.
۱۸. وسائل الشیعة، ۱۱/۹/ح ۱۸.
۱۹. توبه/۱۱ و ۵.
۲۰. توبه/۳۰.
۲۱. محمد/۴.
۲۲. حجرات/۹۰.
۲۳. ناکتین، یعنی پیمان شکنان، که «نبرد جمل» را راه انداختند، قاسطین، یعنی ستمگران، که «جنگ صفین» را به وجود آوردند، مارقین، یعنی از دین برگشتگان، که «واقعۀ نهر وان» پدید آوردند، که امام علی (ع) در خطبه معروف «شقشقیة» خطای بزرگ و خائنانۀ آنان مورد سرزنش قرار داده، و این عنوان را، از قبل رسول خدا (ص) برای آنان برگزیده بود و به امام علی (ع) اعلام داشته بود: «ستقاتل
- بعدی الناکتین، و القاسطین، و المارقین»، و این ابی الحدید هم می نویسد: این خبر، یکی از دلایل نبوت پیامبر (ص) است، زیر آن حضرت به طور صریح از غیب و آینده خبر داده بود، که هیچ گونه تأویل و اجمالی در آن راه ندارد. شرح نهج البلاغة، ۱/۲۰۱.
۲۴. تحف العقول/۲۱۱؛ الکافی، ۵/۱۰؛ تهذیب الاحکام، ۴/۴۸ و ج ۶/۱۵۱؛ وسائل الشیعة، ۱۱/۱۹/ح ۲.
۲۵. الکافی، ۵/۱۲۶؛ تهذیب الاحکام، ۶/۴۲۳ و ۴۰۴.
۲۶. البقرة/۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹؛ النساء/۲۹ و ۳۰؛ آل عمران/۱۳۰ و ۱۳۱.
۲۷. الکافی، ۵/۱۴۵؛ تهذیب الاحکام، ۷/۲۱؛ مسالک الافهام، ۳/۴۴.
۲۸. المائدة/۹۰ و ۹۱.
۲۹. الانعام/۱۵۱.
۳۰. الکافی، ۶/۴۲۹؛ بحار الانوار، ۷۶/۱۴۱.
۳۱. المائدة/۵ و ۵.
۳۲. تهذیب الاحکام، ۷/۳۴۹.
۳۳. تهذیب الاحکام، ۷/۳۵۰.
۳۴. تهذیب الاحکام، ۷/۳۵۰؛ مسالک الافهام، ۳/۱۹۱.
۳۵. گروهی از صحابه پیامبر (ص) نیز، مانند: عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، و ابی بن کعب، این آیه را درباره جواز «متعه» دانسته اند. مسالک الافهام، ۳/۱۹۵.
۳۶. الکافی، ۵/۴۴۸؛ تفسیر نور الثقلین، ۱/۴۶۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ۱/۳۶۰.
۳۷. الکافی، ۵/۴۴۹؛ تفسیر نور الثقلین، ۱/۴۶۷.
۳۸. البرهان فی تفسیر القرآن، ۲/۴۱۷.
۳۹. تهذیب الاحکام، ۹/۷۴؛ وسائل الشیعة، ۱۶/۳۴۱/ح ۱.
۴۰. وسائل الشیعة، ۱۶/۳۵۳/ح ۳۷.